ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان: درس‌هایی برای ایران



زورار پرمه
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی



فهیمه بهرامی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

عصر «جهانی‌شدن خوش‌بینانه» که در آن کارایی و هزینه، تنها متغیرهای تصمیم‌گیری بودند، به پایان رسیده است. کشورها در حال تجربه دوران جدیدی از «رقابت استراتژیک» می‌باشند، که در آن، «ریسک از دست دادن دسترسی به بازارهای جهانی» به مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به الگوهای تولید، تجارت شده و بازطراحی استراتژی‌های ملی را ضروری ساخته است. پدیده ترامپیسم و ایجاد جنگ‌های تعرفه‌ای متعدد در سراسر جهان، تنش‌های تجاری آمریکا و چین، همه‌گیری کووید-۱۹ و شکنندگی زنجیره‌های تأمین، جنگ روسیه و اوکراین، بحران‌های اقلیمی و تأثیرات آن بر زنجیره تأمین غذا و انرژی و رقابت بر سر منابع حیاتی و مواد معدنی کمیاب تغییر تغییر رویکرد از پارادایم حداقل سازی هزینه‌های تامین به سمت تقویت اطمینان در دسترسی پایدار را به دنبال داشته است. این تغییر رویکرد یک "تحول سه‌گانه" شامل بازطراحی زنجیره‌های تأمین تجاری، بازگشت به تولید داخلی، و ظهور حمایت‌گرایی استراتژیک را در پی داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کانون اصلی این تحول بر پایه امنیت غذایی استوار است؛ زیرا غذا، به دلیل ماهیت حیاتی و غیرقابل جایگزین خود، به اصلی‌ترین ابزار فشار و آسیب‌پذیرترین نقطه در امنیت ملی کشورها بدل گشته است.

الف-سه‌گانه تحول تجارت، تولید و سیاستگذاری:

۱. **تحول تجارت:** «تغییر رویکرد از توجه صرف به کارایی به سمت توجه هم‌وزن به تاب‌آوری»؛ بر اساس این تحول منطق زنجیره تأمین در حال تغییر است. شرکت‌ها و دولت‌ها اکنون به دنبال کاهش ریسک وابستگی به یک منبع خاص (به ویژه اگر آن منبع، یک رقیب ژئوپلیتیکی باشد) هستند. این امر به دو استراتژی اصلی منجر شده است:

- **دوست-سپاری:** این مفهوم به معنای انتقال زنجیره‌های تأمین به کشورهای متحد و قابل اعتماد از نظر سیاسی است، حتی اگر هزینه‌ها بالاتر باشد.
- **نزدیک-سپاری:** انتقال فرآیندهای تولید به کشورهای همسایه برای کاهش ریسک‌های لجستیکی و ژئوپلیتیکی؛ این تحول به معنای پایان کارایی به‌عنوان تنها معیار نیست، بلکه به معنای افزودن «تاب‌آوری» به‌عنوان یک متغیر هم‌وزن در معادلات تجاری است.

۲. **تحول تولید:** بازگشت «تولید در داخل»؛ مستقیم‌ترین واکنش به ریسک از دست دادن دسترسی، کاهش وابستگی از طریق افزایش تولید داخلی است. این یک اقدام "احتیاطی" برای بیمه کردن کشور در برابر شوک‌های عرضه است.

۳. **تحول سیاست‌گذاری:** ظهور «حمایت‌گرایی استراتژیک»؛ برای دهه‌ها، تعرفه‌ها و یارانه‌ها به‌عنوان ابزارهای ناکارآمد و مخل بازار تلقی می‌شدند، اما در پارادایم جدید، آنها به‌عنوان ابزارهای مشروع امنیت ملی بازتعریف شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در حضور ریسک تجاری، سیاست بهینه برای یک کشور واردکننده، دیگر "تجارت آزاد" نیست، بلکه ترکیبی بهینه از ابزارهای تعرفه‌ای و یارانه‌ای است که کشور بتواند با پرداخت هزینه‌ای اندک در زمان صلح،**کاهش کارایی**، خود را در برابر فاجعه‌ای بزرگ در زمان بحران، **قطع دسترسی به کالاهای حیاتی** بیمه می‌کند.

ب-نگاهی به یافته گزارش نهادهای بین‌المللی معتبر در خصوص ضرورت در این تحول سه‌گانه:

۱. **واقعیت انکارناپذیر ریسک:** ریسک‌های تجاری (ناشی از ژئوپلیتیک، اقلیم، سیاست‌های ملی) یک ویژگی دائمی و فزاینده در سیستم غذایی جهانی هستند. پارادایم دنیای باثبات و قابل پیش‌بینی به پایان رسیده است.

۲. **ضرورت بازنگری در مفهوم کارایی:** تمرکز صرف بر «کارایی هزینه»، یک کوته‌بینی استراتژیک است. در دنیای پرریسک، "تاب‌آوری" و "اطمینان دسترسی" به اندازه کارایی اهمیت دارند.

۳. **حمایت از تولید داخل:** برخلاف دیدگاه سنتی، حمایت از تولید داخل در یک محیط پرریسک، نه یک اشتباه اقتصادی، بلکه یک واکنش عقلانی و بهینه برای بیمه شد ن در برابر شوک‌های خارجی است.

۴. **مخالفت با روش‌های سنتی حمایت:** این یافته، مهم‌ترین نقطه اشتراک تمام گزارش‌هاست. تمام تحلیل‌ها با روش‌های سنتی حمایت (یارانه‌های قیمتی، حمایت‌های مرزی مخل تجارت) مخالفند. استراتژی بهینه، نه «حمایت کور»، بلکه «حمایت هوشمند» است.

۵. **اجماع بر حمایت هوشمند:** با وجود تفاوت در رویکرد، یک اجماع سیاستی قدرتمند میان تمام این گزارش‌ها در مورد اجزای «حمایت هوشمند» وجود دارد.

ج- شرایط ایران برای حرکت در مسیر تاب‌آوری هوشمند (تغییر پارادایم در الگوی تولید و تجارت)

بدون تردید موضوع ریسک دسترسی به بازارها برای ایران در شرایط تحریم از حالت احتمال به موضوعی قطعی تبدیل شده است، هزینه بالای بیمه‌های تجاری و ضمانت‌نامه‌ها، هزینه‌های بالای نقل و انتقال پول در دو سوی تجارت(واردات و صادرات) و ورود بنگاه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها شاهدی بر این ادعا می‌باشد. علاوه بر این تنش‌های ناشی از فشارهای تحریمی آمریکا بر روابط سایر کشورها با ایران نیز پایداری تامین از محل تجارت را در حاله‌ای از ابهام قرار داده و هر لحظه امکان قطع دسترسی‌های سابق برای واردات را با هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌نماید. از این‌رو موضوع تغییر پارادایم و تحول سه‌گانه ذکر شده را برای ایران به ضرورتی انکارپذیر تبدیل نموده است. با این وجود بهره‌مندی موثر از این تغییر الگو و تحول نیازمند توجه به شاخص‌های ساختار تولید و امنیت غذایی در ایران است تا مسیر این تحول با نگرشی جامع و دقیق طراحی و تامین الزامات مربوطه به درستی مهیا گردد.

۱. چالش‌های گذار کشاورزی ایران به تاب‌آوری هوشمند

- **چالش‌های فنی و بهره‌وری آب:** بخش کشاورزی ایران بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع آب است و عدم بهره‌وری در این بخش، بحران آب را تشدید می‌کند. بر اساس آمارها، سطح زیرکشت کشور حدود ۱۷ میلیون هکتار (شامل زراعت و باغبانی) است که ۹۰درصد آن به زراعت و مابقی آن به باغبانی اختصاص دارد. حدود ۵۰ درصد از بخش زراعی و بیش از ۹۰ درصد از بخش باغی با استفاده از آبیاری مورد بهره‌برداری قرار دارند. این در حالی است که ضریب نفوذ آبیاری تحت فشار در سطح ملی بسیار پایین است (تنها ۱۴درصد از کل بهره‌برداری‌ها مجهز به سیستم‌های نوین آبیاری هستند. این رقم در بخش زراعت آبی حدود ۲۰درصد و در باغبانی حدود ۱۷درصد است).
- **چالش ساختار بهره‌برداری و مقیاس:** ساختار خرد و پراکنده مالکیت زمین، یکی از بزرگ‌ترین موانع اقتصادی و فنی در پذیرش فناوری‌های مقیاس‌پذیر و هوشمند است (غلبه خرده مالکی به‌طوری که میانگین اندازه زمین هر بهره‌بردار زیر ۳ هکتار است و ۷۶ درصد بهره‌برداران در اراضی کمتر از ۵ هکتار فعال‌اند).
- **محدودیت نفوذ تکنولوژی:** به دلیل مقیاس کوچک و عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات گران‌قیمت هوشمند (مانند سنسورها، سامانه‌های پایش از راه دور)، تخمین زده می‌شود که ۵۵درصد از اراضی زیرکشت آمادگی

اقتصادی یا فنی برای پذیرش فناوری‌های بهره‌وری‌بخش را ندارند. این امر نیازمند مدل‌های تجمیعی و تعاونی کارآمد است. همچنین سهم پایین ۲درصد فارغ‌التحصیلان کشاورزی در بخش تولید فعال، مانعی جدی در نفوذ دانش فنی و تسهیل تغییر پارادایم بهره‌وری از روش‌های سنتی به سمت رویکردهای دانش‌بنیان ایجاد کرده است.

- **چالش الگوی کشت و مدیریت منابع خاک:** سیاست‌های کوتاه‌مدت مبتنی بر افزایش تولید در کوتاه‌مدت، منجر به فشار بر منابع طبیعی شده است.
- **چالش‌های انسانی و ترویجی (سرمایه انسانی):** ۴۶درصد بهره‌برداران در بازه سنی ۵۰ تا ۷۵ سال قرار دارند، که نشان‌دهنده عدم ورود نیروی جوان و تحصیل‌کرده به این بخش است. ۶۰درصد بهره‌برداران یا بی‌سواد هستند یا دارای سواد ابتدایی، که این امر استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و سامانه‌های مدیریت هوشمند را دشوار می‌سازد.
- **چالش‌های مدیریتی و حکمرانی:** ماهیت خانوادگی و غیرتخصصی اداره بسیاری از واحدها، اجرای سیاست‌های اصلاحی را پیچیده می‌کند.
- **تضاد بین افزایش نهاده و کاهش بهره‌وری:** در حالی که استفاده از نهاده‌ها افزایش یافته است، شاخص‌های عملکردی (مانند بهره‌وری کل عوامل تولید) بین ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش یافته‌اند.
- **ناکامی حمایت‌های فعلی:** سیاست‌های حمایتی موجود که مبتنی بر مصرف نهاده (توزیع نهاده ارزان) یا قیمت تضمینی هستند، نه تنها محرکی برای تولید بهینه نبوده‌اند، بلکه منجر به استفاده غیربهینه از نهاده‌ها شده‌اند.

۲. چالش امنیت غذایی:

- **هزینه رژیم غذایی سالم:** هزینه رژیم غذایی با افزایش شدید حدود ۴۶ درصد در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۴ همراه بوده است. علاوه بر این، جامعه با ناتوانی در تأمین هزینه رژیم غذایی سالم نیز مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که در این دوره تقریباً دو برابر شده است (از ۷.۷درصد جمعیت در سال ۲۰۱۷ به ۱۴.۰درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است. این بدان معناست که تقریباً ۱۲ میلیون نفر توانایی مالی برای خرید مواد غذایی لازم برای یک رژیم سالم را ندارند).
- **شیوع سوءتغذیه (کمبود کالری):** بر اساس این شاخص، تعداد افرادی که کالری کافی دریافت نکرده‌اند از حدود ۴٫۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۴ به حدود ۶ میلیون نفر در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است.
- **ناامنی غذایی متوسط یا شدید:** با وجود بهبود نسبی این شاخص در یک دهه اخیر، اما همچنان بیش ۳۵.۲ میلیون نفر با ناامنی غذایی مواجه هستند. تحولات سال ۱۴۰۴ ناشی از افزایش نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی، به‌طور یقین این وضعیت را تشدید می‌کند.

۳. تحول تولید، تجارت و سیاست‌گذاری در جهت بهبود امنیت غذایی کشور

- **تحول در تولید (تقویت تاب‌آوری داخلی برای کاهش مواجهه با ریسک):** این راهبرد بر کاهش وابستگی به منابع خارجی پرریسک، نه از طریق انزوای تجاری، بلکه از طریق هوشمندسازی و کارآمدسازی تولید داخل، تمرکز دارد. بر این اساس تغییر پارادایم در حمایت از کشاورزی ضروری است:
  - **گذار از حمایت قیمتی به سرمایه‌گذاری در بهره‌وری**
    - کاهش تدریجی اتکای سیاست‌ها به قیمت‌گذاری دستوری و یارانه نهاده‌ها
    - بازتخصیص منابع حمایتی به کاهش هزینه واقعی تولید
    - تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش کشاورزی
  - **تمرکز بر کالاهای عمومی و زیرساختی بخش کشاورزی**
    - توسعه تحقیق و توسعه کشاورزی با تمرکز بر ارقام مقاوم به خشکی، شوری و تنش‌های اقلیمی
    - گسترش آبیاری مدرن و ارتقای بهره‌وری مصرف آب و توجیه‌پذیر نمودن استفاده از تکنولوژی‌های مبتنی بر بهره‌وری آب و خاک با تاکید بر تقویت نظام‌های بهره‌برداری مشارکتی و تعاونی محور و الزام به تقویت و شفاف‌سازی قوانین حوزه قراردادها و رعایت حق مالکیت
    - سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، سیلوها و زنجیره سرد برای کاهش ضایعات پس از برداشت
  - **مدیریت فعال ریسک‌های اقلیمی و تولیدی**
    - استقرار بیمه‌های کشاورزی مبتنی بر شاخص به‌منظور جبران سریع خسارت‌ها
    - ایجاد و تقویت صندوق‌های تثبیت درآمد برای کاهش نوسانات درآمدی تولیدکنندگان

- **تقویت سرمایه انسانی**
  - ارتقای نظام ترویج کشاورزی و پیوند آن با فناوری‌های نوین و داده‌محور
  - ایجاد مشوق‌های اقتصادی، نهادی و مالی برای ورود جوانان و دانش‌آموختگان به بخش کشاورزی
  - تسهیل انتقال دانش، نوآوری و فناوری به واحدهای تولیدی از طریق تشویق به تولید مشارکتی

- **تحول در تجارت:** این راهبرد بر هوشمندسازی روابط تجاری در عصر بحران‌های چندوجهی و استفاده از ظرفیت‌های دوست‌سپاری و نزدیک سپاری تاکید دارد.

- **تحول تجارت از طریق دوست‌سپاری:** باید توجه داشت که ایران خارج از نظم اقتصادی غرب و تحت تحریم‌های گسترده قرار دارد؛ بنابراین «کشورهای دوست‌سپار ایران» الزاماً متحدان رسمی نیستند، بلکه کشورهایی‌اند که یا با ایران همسویی سیاسی دارند، یا در برابر فشار آمریکا انعطاف‌پذیرند، یا منافع اقتصادی‌شان ایجاب می‌کند با ایران همکاری کنند. در این چارچوب، چین قطعاً جزو مهم‌ترین کشورهای دوست‌سپار ایران است. چین شریک اصلی تجاری ایران، خریدار عمده نفت و تأمین‌کننده بسیاری از کالاهای صنعتی و واسطه‌ای است و در عمل نشان داده که حاضر است بخشی از هزینه‌های تعامل با ایران را بپذیرد. با این حال، دوست‌سپاری چین نسبت به ایران کاملاً عملگرایانه و منفعت‌محور است؛ پکن در مواقعی که هزینه‌های تحریمی بالا می‌رود عقب‌نشینی می‌کند و تعهد سیاسی بی‌قیدوشرط ندارد. روسیه نیز در طیف دوست‌سپاری ایران قرار می‌گیرد، اما با ماهیتی متفاوت. روسیه بیش از آنکه شریک اقتصادی پایدار باشد، یک شریک سیاسی-امنیتی است. تقابل مشترک با غرب و تجربه تحریم، زمینه همکاری را فراهم کرده، اما در حوزه‌هایی مانند انرژی، روسیه رقیب ایران است و توان یا تمایل محدودی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و انتقال فناوری دارد. بنابراین روسیه را می‌توان دوست‌سپار سیاسی دانست، نه دوست‌سپار اقتصادی کامل. اما در بخش امنیت غذایی، روسیه به‌ویژه پس از جنگ اوکراین به یکی از تأمین‌کنندگان مهم گندم و غلات ایران تبدیل شده است؛ قزاقستان نیز نقش مکمل دارد. برزیل برای سویا و خوراک دام و هند برای برنج و شکر شرکای مهمی برای ایران هستند. وابستگی اصلی ایران به واردات خوراک دام و نوسانات بازار جهانی، ریسک متوسط اما پایدار ایجاد می‌کند. به‌طور کلی، سبد دوست‌سپاری غذایی متنوع‌تر از نفت است و انعطاف بیشتری دارد، اما همچنان در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر است.

- **تحول در تجارت از طریق نزدیک‌سپاری:** اگر این مفهوم را در مورد ایران و با تمرکز ویژه بر امنیت غذایی بررسی کنیم، معیار اصلی کشورها عبارت است از: دسترسی زمینی یا دریایی کوتاه، ظرفیت تولید محصولات غذایی یا نهاده‌ها، ثبات نسبی سیاسی و امکان تسویه مالی عملی. در این چارچوب، عراق یکی از مهم‌ترین گزینه‌های نزدیک‌سپاری برای ایران است. این کشور بازار مصرف بزرگ و زمین‌های کشاورزی قابل توسعه دارد و در صورت سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند در تولید غلات، سبزیجات و دام نقش مکمل ایفا کند. نزدیکی جغرافیایی، مرز زمینی گسترده و پیوندهای سیاسی مزیت بزرگی است، هرچند ضعف زیرساخت و ناپایداری سیاسی، ریسک‌هایی ایجاد می‌کند. با این حال، برای تولیدات کم‌فناوری و تأمین کوتاه‌مدت غذا، عراق ظرفیت واقعی دارد. قزاقستان و ترکمنستان نیز، اگرچه همسایه مستقیم جنوبی نیستند، اما در منطق نزدیک‌سپاری ایران جای می‌گیرند، به‌ویژه در حوزه غلات. قزاقستان یکی از بازیگران مهم تولید گندم و جو است و دسترسی ایران از طریق دریای خزر یا مسیرهای ریلی امکان‌پذیر است. ترکمنستان نیز در محصولات زراعی و دامداری ظرفیت‌هایی دارد. مزیت اصلی این کشورها ثبات نسبی عرضه غلات و فاصله لجستیکی کوتاه‌تر نسبت به بازارهای دوردست مانند برزیل است. پاکستان گزینه مهم دیگری در نزدیک‌سپاری امنیت غذایی ایران است. این کشور دارای ظرفیت بالای تولید برنج، گندم، میوه و دام است و مرز زمینی مستقیم با ایران دارد. از منظر ژئوپلیتیکی، پاکستان سیاست موازنه دارد و همکاری غذایی با ایران معمولاً حساسیت کمتری نسبت به حوزه‌های انرژی یا امنیتی ایجاد می‌کند. ضعف زیرساخت و نوسانات سیاسی چالش اصلی است، اما برای کشت قراردادی و تجارت مرزی، پتانسیل بالایی وجود دارد. ترکیه نیز می‌تواند نقش نزدیک‌سپاری محدودی ایفا کند، به‌ویژه در صنایع غذایی، فرآوری و ذخیره‌سازی. این کشور زیرساخت کشاورزی و لجستیکی پیشرفته‌ای دارد، اما به دلیل همسویی نسبی با غرب و حساسیت به

تحریم‌ها، شریک کاملاً مطمئنی برای تأمین پایدار نیست. بنابراین ترکیه بیشتر برای فرآوری و تجارت منطقه‌ای مناسب است تا تأمین راهبردی بلندمدت غذا. در سطح جنوبی، افغانستان از نظر جغرافیایی بسیار نزدیک است و در محصولاتی مانند گندم، حبوبات و دام ظرفیت بالقوه دارد، اما بی‌ثباتی سیاسی، ضعف نهادی و ریسک امنیتی باعث می‌شود نقش آن در نزدیک‌سپاری غذایی ایران محدود و پرریسک باشد. این کشور بیشتر می‌تواند مکمل مرزی باشد تا ستون اصلی امنیت غذایی.

- **تحولات در سیاست‌گذاری:** این راهبرد بر تغییر پارادایم از حمایت هزینه‌گرا به حمایت هوشمند با تاکید بر تاب‌آوری امنیت غذایی تاکید دارد. با توجه به محدودیت‌های مالی دولت، تداوم الگوی فعلی حمایت از بخش تولید و مصرف از منظر پایداری اقتصادی و اجتماعی قابل اتکا نیست. در این چارچوب، گذار به الگوی «حمایت هوشمند از تولید و مصرف» و تقویت تاب‌آوری زنجیره غذا ضروری به‌نظر می‌رسد. در خصوص توجه به این راهبرد، ذکر این نکته ضروری است که حتی با بهترین استراتژی تولید داخل، هیچ کشوری نمی‌تواند خود را به‌طور کامل از بازارهای جهانی جدا کند. همیشه میزانی از ریسک باقی می‌ماند. از این‌رو در اتخاذ و اجرای این راهبرد موارد زیر توصیه می‌شود:

- **حذف تدریجی یارانه‌های کالایی غیرهدفمند**
  - کاهش حمایت‌های گسترده‌ای که منجر به اتلاف منابع، تحریف بازار و نابرابری در بهره‌مندی می‌شود.
- **جایگزینی با ابزارهای حمایت هدفمند و انعطاف‌پذیر**
  - پرداخت نقدی هدفمند به دهک‌های آسیب‌پذیر
  - اعتبار خرید برای اقلام غذایی منتخب
  - استقرار نظام‌های حمایت شوک‌پذیر برای واکنش سریع به جهش‌های قیمتی
- **جهت‌دهی حمایت‌ها به کیفیت تغذیه**
  - تمرکز بر بهبود وضعیت تغذیه‌ای گروه‌های حساس شامل کودکان، زنان باردار و سالمندان، به‌جای تمرکز صرف بر تأمین کالری.
- **اتخاذ سیاست تجاری هوشمند و پیش‌بینانه**
  - تنوع‌بخشی به شرکای وارداتی برای کاهش ریسک تمرکز
  - مدیریت فعال ذخایر استراتژیک کالاهای اساسی
  - پرهیز از اعمال ناگهانی محدودیت‌های صادراتی یا وارداتی که به بی‌ثباتی بازار دامن می‌زند
- **اصلاح زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی**
  - کاهش واسطه‌گری ناکارآمد، توسعه قراردادهای کشاورزی، افزایش شفافیت قیمت و بهبود کارایی بازارهای عمده‌فروشی.
  - تقویت زیرساخت‌های نگهداری و انبارداری کالاهای کشاورزی برای کنترل ضایعات
  - تقویت رویکرد اقتصاد چرخشی و تکنولوژی‌هایی که استفاده از ضایعات محصولات کشاورزی را برای تامین مواد مغذی خاک و یا تغذیه دام و طیور امکان‌پذیر می‌سازد
- **تقویت حکمرانی داده و نظام پایش**
  - ایجاد داشبورد ملی امنیت غذایی، توسعه سیستم‌های هشدار زودهنگام برای شناسایی شوک‌های قیمتی، اقلیمی و عرضه.
- **تقویت هماهنگی نهادی:**
  - ایجاد یا تعیین مرجع واحد سیاست‌گذاری امنیت غذایی با مأموریت هماهنگی میان بخش‌های کشاورزی، تجارت، رفاه اجتماعی و سلامت.